

معضل بیکاری و پدیده‌های ناشی از آن

عبد الکریم حقیقی نیا

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۱)

(ای فرزندان بشر) ما به شما در زمین سلطه و اقتدار بخشیدیم و برای تأمین روزی و معیشت شما هر قسم نعمتی را در آن قرار دادیم ولی عده‌ای کمی از شما شکرگزار نعمتهای خدا هستید.

مسئله بیکاری و انتخاب شغل و بدست آوردن کار و ایجاد اشتغال برای افراد جویای کار یکی از مهمترین مسائل جامعه و بخصوص نسل جوان است که روز بروز مشکلات قابل توجهی را برای نسل فعال و شاداب جامعه به وجود می‌آورد و تفکر و اندیشه بسیاری از دولتمردان و دست اندرکاران کار و اشتغال را بمنظور حل مشکل بیکاری به خود مشغول نموده است.

در نوشته حاضر به اختصار به تبیین موضوعاتی از قبیل انتخاب شغل، بیکاری و فساد اخلاق، بهزیستی و سربلندی در پرتو کار، ارزش کار در اسلام، وظایف والدین در انتخاب شغل فرزندان، مشاغل مشروع، کار و تحکیم شخصیت، کار و تأمین معاش، کار و ثروت اندوزی، انگیزه‌های کار، هدف کار و کوشش پرداخته و در بخش پایانی نیز به مسئله اشتغال و بیکاری، فرهنگ کار، علل بیکاری جوانان در استان، معضلات و مشکلات کار در استان و برخی راه کارهای خاص منطقه‌ای برای رفع مشکل بیکاری اشاره خواهد شد. امید است این مقاله فتح بابی باشد تا صاحب نظران و اندیشمندان مسائل اشتغال و بیکاری به اهمیت این موضوع بیش از پیش توجه نموده و چاره اندیشی مؤثری را مبدول دارند.

فرزندان بشر هنگامیکه روزگار کودکی و ایام نوجوانی و بلوغ را سپری می‌کنند و گام بدوران جوانی می‌گذارند

فطرتاً مایل اند کاری بدست آورند و جانی در جامعه خود باز کنند، مایل اند زندگی خویش را از ماحصل درآمد شخصی خود تأمین نمایند و در پرتو کار و تلاش به آزادی و استقلال فردی و اقتصادی نایل گردند. شایستگی خود را از این طریق ثابت کنند و

شخصیت خویش را در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند مستقر سازند. اشتغال بکار و قبول مسئولیت لازمه زندگی شرافتمندانه در اجتماعات بشری است. کسی که می‌خواهد از مزایای تمدن برخوردار گردد و با عزت و سربلندی و آبرومندی امرار معاش نماید و زندگی کند، امرار حیات نماید باید خود نیز عضو مفید جامعه باشد. و در حدود لیاقت و شایستگی خود کاری شرافتمندانه را بر عهده گیرد. و همانگونه که وی از نتایج کار دیگران استفاده می‌کند دیگران نیز از نتیجه کار او بهره‌مند گردند جوانی که برای اولین بار در یکی از مؤسسات خصوصی و یا ادارات دولتی شغلی بدست می‌آورد و یا با انجام حرفه‌ای از طریق دیگر خدمتی به هموعان خود انجام می‌دهد و مسئولیتی را به عهده می‌گیرد بسیار خوشحال و مسرور است، زیرا احساس می‌کند که جامعه او را به عضویت خود پذیرفته و شخصیت او مورد توجه قرار گرفته است. اولین پولی که از راه فعالیت شخصی خود بدست می‌آورد هر قدر هم ناچیز و کم باشد در نظرش بسیار ارزشمند و گرانبهاست و آنرا با چندین برابر پولی که به رایگان از پدر یا مادر خود می‌گیرد قابل مقایسه نمی‌داند زیرا آن پول از دیدگاه اشتغال سند شخصیت و دلیل لیاقت و شایستگی او است. بر عکس، فرومایگانی نیز در جامعه یافت می‌شوند که از قبول مسئولیت و انجام کار شانه خالی می‌کنند با این وجود که زمینه اشتغال آنها نیز ممکن است فراهم باشد، در زندگی سربار اجتماع اند و مانند انگل از محصول زحمت دیگران ارتزاق می‌کنند. این قبیل افراد مورد بدبینی اسلام و منفور جوامع بشری هستند. سر انجام، بیکاری و تن پروری آنان را به راه فساد اخلاق و تباهی سوق می‌دهد.

بیکاری و فساد اخلاق

بسیاری از صاحب نظران و دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی و همچنین محققان جرم‌شناسی بر این باورند که منشأ اکثر نابسامانیهای جوامع و فساد اخلاقی و اجتماعی بخصوص در میان قشر وسیع جوان عامل بیکاری و ناامیدی نسبت به آینده می‌باشد. جوانی که به منظور کسب شغل و تثبیت موقعیت اجتماعی تلاش نموده تا با کسب دانش تخصصی و حرفه‌ای شرایط اشتغال خود را فراهم نماید تا به عنوان عضو مفید در جامعه مطرح و با بدست آوردن رزق حلال به زندگی بپردازد وقتی با معضل عدم کار و زمینه‌های اشتغال روبرو می‌شود، دچار یأس و سرخوردگی شدید شده و ضمن از دست دادن اعتماد بنفس نسبت به زندگی و تشکیل خانواده دچار بحران شدید روحی و در نتیجه برای تسکین ظاهری عدم موفقیت خود ناگزیر به مواد مخدر و پناه بردن به مشاغل غیر شرع و کاذب شده و در پاره‌ای موارد جذب گروه‌های ناهنجار جامعه گردیده وی بجای سازندگی، به تخریب جامعه پرداخته و سبب ایجاد چالش‌های اجتماعی و دچار گرفتاریهای معنوی و روحی می‌شود. در جوامعی که تعداد افراد بیکار روز بروز افزایش می‌یابد دچار تزلزل می‌شوند. امنیت اجتماعی به خطر افتاده و افراد بیکار برای امرار معاش خود ناگزیر دست به اعمال خلاف قانون می‌زنند. ایمان چنین افرادی که در اثر بیکاری و عدم وجود زمینه اشتغال دچار فقر و تنگ دستی می‌شوند نیز متزلزل شده و امنیت خاطره کافی برای پرداختن به عبادات الهی نیز از آنها سلب و مصداق ضرب المثل معروف که «آدم گرسنه دین و ایمان ندارد» می‌شوند و در همین موضوع نیز حدیثی مشهور است که «الفقر کان ان یكون الکفر» فقر و تنگدستی کفر را به دنبال دارد.

سربلندی و زندگی بهتر در پرتو کار

سعی و عمل مایهٔ بهزیستی و عمران و آبادی و حافظ عزت و شرف و از عوامل مؤثر در سعادت معنوی و مادی بشر است. در تمام جوامع تلاش صاحبان قدرت و دولتمردان بر این است تا با استفاده از منابع اقتصادی و مادی و سرمایه‌گذاریهای سازنده زمینه اشتغال و کار افراد را فراهم نمایند. جامعه‌ای سربلند و رستگار است که افراد آن در پرتو کار و تلاش، زندگی بهتری داشته باشند. اولیای گرامی اسلام و بزرگان دین مبین اسلام در کمال صراحت پیروان و رهروان خود را بکار و کوشش مشروع

ترغیب و تشویق نموده و ارزش مجاهدتهای آنان را در راه تأمین هزینه‌های زندگی خود و زن و فرزندانشان در ردیف فداکاری سربازان اسلام به حساب آورده‌اند. نگرشی به سیره نبوی و زندگی اصحاب گرام و بزرگان صدر اسلام مبین این حقیقت است که آن بزرگواران خود نیز به این امر پای بند بوده و عملاً نیز مردم را برای تأمین زندگی بهتر به سعی و کوشش و کار سازنده دعوت می‌نمودند.

ارزش کار در اسلام

خداوند بشر را با نیروی عقل و استعداد نامحدود آفریده و از وی خواسته است تا با کار و کوشش و با سعی و عمل ذخایر نهفته زمین را بیرون آورد، غذا و لباس و سایر لوازم معیشت خود را تهیه نماید، با آسایش خاطر زیست کند و شکر گزار او باشد. از انس بن مالک - رضی الله عنه - مروی است که گفت «موقعیکه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - از جنگ تبوک مراجعت می‌کرد سعد انصاری به استقبال آمده حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زیر و خشن یافت» فرمود «چه صدمه‌ای و آسیبی بدستت رسیده است؟» عرض کرد «یا رسول الله من با طناب و بیل کار می‌کنم و در آدمم را خرج معاش خانواده‌ام می‌نمایم.» رسول اکرم دست او را بوسید و فرمود «این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی‌کند» (اسعد الغایه جلد ۲ ص ۲۶۹).

در سیره نبوی به وضوح مشاهده می‌شود که آن حضرت از بدو جوانی بکار اشتغال داشته و درستکاری و صداقت و پشتکار وی در انجام امور سبب گردید که به ایشان لقب امین را بدهند و پس از بعثت نیز مانند سایر صحابه و مردم در انجام کارها عملاً به آنها کمک می‌نمود. سایر صحابه گرامی همانند سایر مردم به کار و تلاش مبادرت می‌ورزیدند و از این راه امرار معاش می‌نمودند. وقتی فرستادگان دربار پادشاهی (روم یا پارس) به خدمت خلیفه دوم مسلمین حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - شرفیاب شدند بر خلاف تصور آنان که حضرت می‌بایست در کاخ مجلی سکونت می‌داشت، وی را در زیر سایهٔ درختی ملاقات کردند که مشغول چراندن و نگهداری از احشام بیت المال مسلمین بود. این عمل چیزی نبود جز اجرای عدالت و اهمیت دادن بکار و تلاش برای کسب روزی حلال. همچنین سایر صحابه نیز به نوبه خود علاوه بر مملکت داری و اداره امور دینی و دنیوی مردم، خود شخصاً کار و تلاش می‌نمودند و امرار معاش خود را از

طریق کار شخصی تأمین می نمودند.

پیشوای عالی قدر اسلام برای آنکه مسلمین را بکار و کوشش و به سعی و عمل تشویق کند و آنان را از تنبلی و بیکاری بر حذر دارد عملاً افراد زحمت کش و کارگر را مورد مهر و عنایت مخصوص خود قرار می دادند و به صورت‌های مختلف تشویقشان می کرد و بر عکس با بیکاران به سردی بر خورد می نمود و مراتب نارضایتی خود را صریحاً اظهار می فرمود.

پیامبر گرامی اسلام وقتی در حضور مردم دست سعد انصاری را به احترام سعی و عملش می بوسد در واقع بالاترین مراتب احترام و تشویق را نسبت به کار و کارگران معمول داشته است. و موقعیکه درباره فرد بیکار اظهار نارضایتی می نماید نافذترین سخن را در باره اعراض خود از بیکاری اداء فرموده است.

وظایف والدین در انتخاب شغل فرزندان

در آئین مقدس اسلام پدران موظفند که فرزندان جوان خود را در انتخاب شغل یاری کنند و آنانرا با تربیت صحیح و با توجه به استعداد‌های ذاتی شان و لیاقت و شایستگی شان به انجام کار شایسته و مناسبی تشویق کنند. و این خود یکی از حقوقی است که فرزندان بر پدران مسلمان خود دارند که والدین باید آنرا ادا نمایند.

رسول اکرم (ص) فرمود: حق فرزند بر پدرش اینست که برای وی نام خوب انتخاب کند، در تربیتش بکوشد و او را بکار شایسته بگمارد. در جوامع گذشته که فن آوری و دانش‌های تخصصی وجود نداشت، پدران سعی می کردند که حرفه فنی را که خود آموخته بودند به فرزندان خود بیاموزند و این قبیل اشتغال در قرن ما ادامه داشت و معمولاً به علت وجود این فرهنگ در خانواده و انتظار بسیار کمی که از زندگی معمولی وجود داشت، فرزندان حرفه و شغل پدران خود را به ارث می بردند و مسئله عدم اشتغال و بیکاری کمتر مطرح و یا اصلاً به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح نبود.

اما در قرن اخیر با پیشرفت علم و فن آوری و ابداعات و اختراعاتی که در بخش صنعت و کشاورزی بوجود آمد، دیگر کمتر نیاز به استفاده از نیروی کار در جوامع احساس می شد و با اختراع رایانه و بکارگیری آن بجای نیروی انسانی که هزینه کمتر و دقت بیشتری را در برداشت عملاً بر تعداد نیروی جوان بیکار افزوده گشت. در جوامع ماشینی امروز فرهنگ کار در خانواده‌ها

نیز تغییر پیدا نموده، نیازهای اولیه زندگی که در گذشته شامل خوراک و پوشاک و سرپناه معمولی بود خود را به استفاده از ابزار مجلل برای برخورداری از زندگی داد و در پی آن توقع انسانها و بخصوص جوانان برای شروع زندگی و اشتغال فزونی یافت. معیار ارزش کار نیز در خانواده‌ها عوض شده است و ارزش کار در بسیاری از خانواده‌ها فقط پشت میز نشینی و کار اداری تلقی شده، دیگر نجارزاده و آهنگرچی و فرزندان نشان تمایل به ادامه کار پدران خود ندارند. همچنین والدین آنها نیز اغلب آنها را تشویق به ادامه کار خود نمی نمایند. معیار ارزشی این قبیل حرفه‌ها کم کم از بین رفت و ارزش کار به استخدام در یک اداره دولتی و نشستن پشت میز بدل گردید، بگونه‌ای که در یک نگرش اجمالی به حرف موجود در استان در می یابیم که کمتر جوانی از جامعه ما بدنبال مشاغل حرفه‌ای که از در آمد خوبی نیز برخوردار هستند، می روند. و یا اصلاً توان انجام کارهای به اصطلاح سطح پایین را ندارند. به عنوان مثال، چنانچه مهاجرین محترم افغانی که جبر زمان و فشارهای زندگی تحمیل شده بر آنها، آنان را ناچار به فراگرفتن مشاغلی، از قبیل کارگری، تعمیرکاری، خدمات فنی، بنائی و این قبیل مشاغل نموده به یکباره از شهر و دیارمان به کشور خویش بازگردند، جایگزین مناسبی برای آنها در انجام این قبیل مشاغل نداریم. فرهنگ کار در خانواده‌های ما متأسفانه بگونه‌ای است که هیچ صاحب حرفه‌ای تلاش نمی کند تا فرزندش ضمن اشتغال به تحصیل و افزایش دانش علمی خویش به مهارت‌های فنی نیز روی بیاورد، بلکه جوانان ما دائم در تشویق تحصیل برای رسیدن به مناصب اداری هستند، جوانی که مدارج تحصیلی را تا مقطع دانشگاهی به پایان رسانیده بدون اینکه توان انجام کوچکترین حرفه‌ای را داشته باشد دست روی دست گذاشته نا به استخدام اداره‌ای دولتی و لو مغایر با تخصص تحصیلی خویش در آید، حتی اگر تصدی امور آبدارخانه و یا نامه رسانی باشد. بنابراین وظائف والدین در این برهه از زمان بسیار مهم و تأثیر بسزائی در سرنوشت آینده فرزندان آنان دارند. تشویق محض فرزندان برای کسب علم به منظور اشتغال در ادارات دولتی و صاحب منصب اداری شدن اشتباهی است که مشکلات آن پس از فراغت از تحصیل فرزندان و بیکار شدن آنها و عدم توانائی انجام کارهای حرفه‌ای بروز می کند. زمانی در کشورمان چنان با کمبود پزشک و پرستار روبرو بودیم که هزاران بنگلادشی و هندی و پاکستانی و فیلیپینی را بکار

کار و تحکیم شخصیت

شغل هر فردی از یکطرف مجرای درآمد مالی و وسیله معیشت و زندگی او است و از طرف دیگر سازنده شخصیت اجتماعی و صفات اخلاقی او است. شغلها از نظر پاکی و ناپاکی و همچنین از نظر ارزش معنوی و اجتماعی متفاوتند و ضرورت هر شغلی ایجاب می‌کند که آدمی با گروه مخصوص مرتبط شود، چنانچه یک روحانی، معلم یا قاضی به مقتضای شغل خود دارای شخصیتی می‌شود که با شخصیت یک بازیگر یا افسر ارتش یا پیشه ور فرق دارد.

همچنین شغل هر فرد ایجاب می‌کند که دارنده آن شغل بصفات خاصی متصف گردد. و شغل هر انسانی روی شخصیتش اثر عمیق دارد و صفات اخلاقی وی نیز بر وفق مقتضیات آن شغل ساخته می‌شود.

کار و تأمین معاش و سازندگی

مسئله بدست آوردن کار و تأمین معاش در دنیای کنونی و تطبیق یافتن افراد جامعه با زندگی صنعتی و ماشینی یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در جهان امروز است. در موضوع کار و کوشش و بدست آوردن مال نکته جالبی در اسلام خاطر نشان شده که امروز نیز مورد توجه دانشمندان بشر است و آن اینکه اگر انگیزه کار و بدست آوردن مال، تأمین معاش خود و خانواده و بستگان یا بالا بردن سطح زندگی عائله خویش و دیگران و سازندگی جامعه باشد، آن کار مقدس و آن مال ممدوح و صاحبش مورد تکریم و احترام است. ولی اگر کار به منظور گردآوری مال و بدست آوردن قدرت و تفوق بر دیگران باشد نه تنها ممدوح و پسندیده نیست، بلکه صاحبش نیز از صراط فضیلت و اخلاق منحرف شده و پیرو حرص و افکار شیطانی خود شده است.

ادامه دارد...

گرفتیم و امروز چنان با تورم مشاغل پزشکی روبرو هستیم که بسیاری از پزشکان جوان ما بیکار و به کارهانی از قبیل دلالی، خرید و فروش اتومبیل و یا موبایل هستند. از طرفی، تابلوهای پر زرق و برق چندین پزشک و مهندس و وکیل که دیگر جانی برای پرداختن به امر پزشکی نمانده و شاید نسبت پزشک به تعداد جمعیت در روستاها نیز به یک به ۱۰ رسیده باشد. چشم جوانان ما را بسیاری از صاحبان این قبیل مشاغل خیره می‌کند که حتی برای پرداخت اجاره مطب و یا دفتر کارشان نیز دچار مضیقه هستند. پر واضح است که یکی از وظایف مهم والدین این است که ضمن تشویق به تحصیل فرزندان، آنها را وادار به فراگیری یکی از حرفه‌های مفید و مورد نیاز جامعه بنمایند. فرهنگ تحقیر مشاغل سطح پائینی که به حق می‌توان گفت برای صاحبان با تجربه این قبیل مشاغل در آمد خوبی نیز وجود دارد، می‌بایست در بین خانواده‌ها و جوانان از بین برود.

مشاغل مشروع

ناگفته نماند که تشویق و ترغیب اولیاء گرامی بکار و کوشش تنها ناظر به شغل‌های مشروع و کارهای مفیدی است که خیر و صلاح جامعه در آنها نهفته است و گر نه کارهائیکه بجسم و جان مردم و به عفت و اخلاق عمومی آسیب می‌رساند و منافی با شرافت و کرامت انسان و عزت نفس است هرگز نمی‌تواند باعث افتخار و سربلندی و مایه عز و شرف اجتماعی گردد.

کسی که از راه رشوه خواری و تملق گوئی ارتزاق می‌کند، کسیکه از راه کسب‌های غیر مشروع چرخ زندگی خود و خانواده‌اش را می‌گرداند، نه تنها شخصیت شریفی بدست نمی‌آورد بلکه بر عکس کارهای پست و پلید او را زیون و فرو مایه می‌سازد، شخصیت انسانیش را در هم می‌شکند و به صفات ناپسند متصفش می‌سازد.